

سالانه میلیونها کارگر در محیط‌های کار

قربانی توحش سرمایه داری میشوند

جنگ، قحطی، فقر و الودگی محیط زیست که تغییرات جوی و بموازات ان سیل و طوفانهای مهیب را بدنبال دارد سالانه میلیونها انسان را به کام مرگ میکشاند. قربانیان این جنایت سرمایه داری در درجه نخست کارگران و توده های زحمتکشی هستند که از کوچکترین امکانات حفاظتی برای دفاع از هستی خویش محرومند. با این همه گاه و بیگاه مشاهده میشود که گوشه هایی از این جنایات انجاییکه منافع سرمایه طلب میکند، توسط احزاب و سازمانهای دروغین مدافع محیط زیست و یا مدافع صلح در کمپ سرمایه و یا بدلیل رقابت های سخت و مستقیم قدرتهای بزرگ و کوچک، در رسانهای خبری جهانی انعکاس میابد. هرروزه اما جنایت پنهانی عظیم و گسترده ای در بطن زندگی روزانه کارگران و توده های زحمتکش در محیط کار جریان دارد که در اثر ان میلیونها کارگر کشته و زخمی میشوند، واقعه ای که به ان نه تنها بها داده نمیشود، بلکه رویدادی عادی و طبیعی تلقی نیز میشود.

بنابر گزارش سازمان جهانی کار سالانه بیش از (۲۵۰میلیون) سانحه در محیط کار رخ میدهد که در این میان بیش از (۱۳۰۰۰۰۰۰) کارگر در اثر این حوادث و بیماریها و جراحات ناشی از ان جان خود را از دست میدهند. بنابر همین گزارش در بخش ساختمانی بیش از (۵۵۰۰۰) کارگر در جریان کار و بیش از (۱۰۰هزار) نفر بدلیل تماس با مواد شیمیایی از جمله پشمهای فلزی کشته میشوند. اوضاع در بخش کشاورزی از این هم وخیم تر است. بطوریکه تعداد قربانیان ان هرساله بالغ بر (۳۰۰هزار) نفر میگردد.

این ارقام تنها گوشه کوچکی از توحش سرمایه داری علیه بشریت را نمایان میکند که گزارش ان رسماً از سوی کشورهای عضو سازمان جهانی کار ارائه شده است. درحالی که سالانه میلیونها حادثه مرگبار در محیط های کار رخ میدهد که ردپایی از ان را در این گزارشات نمیتوان یافت. بر این تعداد باید مرگ و میر کودکانی که به کار گمارده میشوند، همچنین کارگرانی را که برای همه عمر به بیماریهای فیزیکی و روانی مبتلا میشوند، کودکان، نوجوانان و زنان و مردانی را که با از دست دادن نان اور خانواده با فقر و نداری دست و پنجه نرم میکنند و دچار مرگی زودرس میشوند را نیز افزود.

چه باید کرد!

تا جایی که به گزارش سازمان جهانی کار برمیگردد این ارگان امپریالیستی تلاش نموده است تا با محاسبه میزان خساراتی که در اثر این حوادث متوجه سرمایه داری است، دولتها را ترغیب کند که به مسئله حوادث محیط کار توجه بیشتری کنند. رادیکال ترهای کمپ سرمایه داری، مدافعین محیط زیست و صلح و احزاب رنکارنگ چپ از تصویب قوانینی که محیط زیست و کار را امن تر میسازد داد سخن میرانند. این درحالی است که در میان قوانین همه کشورها صدها مصوبه و بند درباب بهبود محیط زیست و کار وجود دارد، درعین انکه هرروزه اوضاع زیست و کار وخیم تر میشود و هرروز بر تعداد کسانی که جان خود را در این پروسه از دست میدهند افزوده میگردد. نه توصیه سازمان جهانی کار که برای کارگران اشک تمساح میریزد و نه قوانین پیشنهادی احزاب رنکارنگ چپ در

کمپ ضدانقلاب هیچیک نمیتواند بهبود پایه ای را در محیط زیست و کار به ارمغان آورد. آنها با پیشنهادات خود تنها میکوشند این حقیقت را از دید کارگران مخفی سازند که سرمایه‌داری به مثابه یک سیستم عامل اصلی نابودی محیط زیست و صدمات و مرگ و میر ناشی از کار است. چرا که این دو پدیده با ذات سرمایه‌داری یعنی افزایش شدت کار، استثمار و از این کانال بدست آوردن سود و باز هم سود، این یگانه هدف مقدس سرمایه‌گره خورده است. هدفی که سرمایه‌داری حاضر است برای رسیدن به آن جهان را قربانی کند.

سرمایه‌داری قادر نیست هم سودآوری خود را تضمین کند و هم اینکه از شدت کار و استثمار بکاهد. این تناقض سرمایه‌داری است که از سویی ناگزیر میگردد که قوانین متعددی درباره محیط زیست و کار تصویب کند و همزمان، با تولید محصولات شیمیایی و زیان‌آور محیط را الوده و ناامن سازد. این تناقض سرمایه‌داری است که از سویی دم از صلح و عدالت میزند و همزمان با آن برای دست‌یابی به سلاحهای شیمیایی، اتمی و فضایی پیشرفته‌تر، سرمایه‌گذاری نجومی میکند. عبارت دیگر، الودگی و حوادث محیط زیست به تولید سرمایه‌داری گره خورده است. به همین جهت مبارزه برعلیه نابودی محیط زیست، مبارزه برعلیه ناامنی محیط کار، مبارزه برعلیه جنگ و بطورکلی توحش سرمایه‌داری از کانال مبارزه طبقاتی یعنی مبارزه مستقیم برعلیه استثمار سرمایه‌داری و درهم شکستن این نظام غیر انسانی میگردد. راه دیگری وجود ندارد.